

بررسی تطبیقی ترجمه‌های فارسی و عربی ضرب‌المثل‌ها در نمایشنامه‌های شکسپیر (مطالعه موردی: هشت ترجمه از «هملت» و چهار ترجمه از «رام کردن زن سرکش»)^۱

محمدعلی رضوی خاوه^۲

مریم جلائی پیکانی^۳

حامد حبیب زاده^۴

روح‌الله صیادی نژاد^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پژوهش پیش‌رو، در پی شناسایی و شناساندن روش‌های انتقال مفهوم ضرب‌المثل‌ها، از لابه‌لای برابرسازی‌های زبانی است. به این منظور، مقاله حاضر بر پایه

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2020.28450.1791

^۲ کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی و کارشناس ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه کاشان؛

muhammad1972@gmail.com

^۳ دکترای تخصصی زبان و ادبیات عربی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، هیأت علمی دانشگاه کاشان (نویسنده

مسئول)؛ maryamjalaei@kashanu.ac.ir

^۴ دکترای تخصصی زبان و ادبیات انگلیسی، استادیار گروه ادبیات انگلیسی، دانشگاه کاشان؛

H_habibzad@kashanu.ac.ir

^۵ دکترای تخصصی زبان و ادبیات عربی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، هیأت علمی دانشگاه کاشان؛

sayadi@kashanu.ac.ir

روش‌های کاربردی‌تر در ترجمه ضرب‌المثل‌ها و با بهره‌گیری از روش «توصیفی-تحلیلی» بر آن است تا در باید راهبرد اصلی مترجم‌های عربی و فارسی دو نمایشنامه «هملت» و «رام کردن زن سرکش» چیست؟ همچنین، اینکه این مترجم‌ها در چه زمان و در چه حالتی به ترجمه تحت‌اللفظی، جایگزین‌سازی با ضرب‌المثل یا ترجمه تفصیلی آزاد یک ضرب‌المثل، روی آورده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، نخست، فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلستان در قرن شانزدهم و هفدهم، به عنوان منبع اصلی پژوهش در نظر گرفته شد. سپس، ضرب‌المثل‌های به کاررفته در دو نمایش‌نامه، با استناد به آن استخراج شده و در بخش ضرب‌المثل، در دو زیربخش ارائه گشتند. واژه‌ها و پاره‌گفته‌های به کاررفته در برگردان‌ها، به عنوان داده‌های اصلی پژوهش، در دو سطح واژگانی- نحوی و دلالی با یکدیگر مقایسه و توصیف شدند. در پایان، گزارشی از راهبردهای مترجم‌ها در برگردان ضرب‌المثل‌ها بر پایه ویژگی‌های مورد اشاره در تعریف جامع ضرب‌المثل (تعریف منتخب این پژوهش) ارائه شد. یافته‌های پژوهش، تفاوت معناداری را مابین برگردان مترجم‌های عربی و فارسی نشان نداد. لفظ-گرایی، راهبرد غالب مترجم‌ها است و برای گره‌ها و نقطه‌های دشوار مفهومی-معنایی، پانوشت نیز بر آن افزوده گردیده‌است. نارسایی مفهومی، فقط در برگردان اندکی از ضرب‌المثل‌های در پیوند با گروه ضدالمثل‌ها دیده شده‌است.

واژه‌های کلیدی: شکسپیر، ضرب‌المثل، ضدالمثل، ترجمه

۱. مقدمه

یکی از موارد چالش برانگیز در ترجمه عناصر فرهنگی، ترجمه ضرب‌المثل است. مسئله ترجمه-پذیر بودن یا نبودن ضرب‌المثل‌ها، مسئله‌ای است که مترجم‌های بسیاری هنگام ترجمه آثار ادبی، در عمل به آن پاسخ داده‌اند. مترجم‌ها در برگردان‌های خود نشان داده‌اند که اگر چه میزان ترجمه‌پذیری ضرب‌المثل‌ها یکسان نیست، اما شیوه‌هایی را می‌توان یافت که به وسیله آن‌ها بتوان تا اندازه بسیاری مفهوم را بازتولید کرد. مترجم‌ها هر یک به فراخور سبک خود ترجمه‌ای از ضرب‌المثل‌ها را ارائه کرده‌اند. از آن‌جا که شیوه‌های به کاررفته در ترجمه آن‌ها یکسان نبوده و دارای تفاوت‌هایی است، شناسایی این شیوه‌ها خالی از فایده نیست. چراکه می‌تواند راهگشای کسانی باشد که می‌خواهند با بهره‌گیری از تجربه‌های دیگران، ترجمه‌های قابل قبول و پسندیده-تری را به مخاطبان عرضه کنند و یاریگر کسانی باشد که در حوزه پژوهش‌های فرهنگی سعی در شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های بین فرهنگی دارند.

پژوهش حاضر بر آن است تا از رهگذر مقایسه ترجمه‌های انجام شده از زبان انگلیسی به زبان عربی و فارسی به بررسی چگونگی ترجمه ضرب‌المثل‌ها بپردازد. در این پژوهش، زبان انگلیسی به عنوان زبان مبدأ انتخاب گردید؛ زیرا زبانی پرگوشور و بین‌المللی است و ملت‌های بسیاری به عنوان زبان اول یا دوم از آن استفاده می‌کنند. زبان عربی نیز به عنوان زبان مقصد انتخاب گردید که از نظر خانواده زبانی و به لحاظ فرهنگی تفاوت‌هایی بین این دو زبان وجود دارد. زبان فارسی هم به عنوان زبان شاهد انتخاب شد که هم با زبان انگلیسی هم‌خانواده است و هم با زبان عربی نزدیکی فرهنگی دارد.

تراژدی «هملت»^۱ (Jenkins, 1982) و کمدی «رام کردن زن سرکش»^۲ (Callaghan, 2009)، اثر ویلیام شکسپیر^۳، شاعر و نمایشنامه‌نویس انگلیسی به دلیل پرتوجه و پرضرب‌المثل بودن به عنوان دو منبع اصلی پژوهش در نظر گرفته شد. از میان برگردان‌های این دو اثر، هشت ترجمه از تراژدی «هملت» و چهار ترجمه از کمدی «رام کردن زن سرکش» انتخاب گردید تا شیوه‌های مترجمان در ترجمه ضرب‌المثل‌ها کشف و توصیف گردد. از میان هشت ترجمه تراژدی «هملت» چهار ترجمه آن عربی و چهار ترجمه دیگر به فارسی است. مترجم‌های چهار ترجمه عربی عبارتند از سامی بن یعقوب الجریدینی (۱۸۸۱-۱۹۵۰ م) (Al-Juraidini, 1599-1601/1922)، جبرا ابراهیم جبرا (۱۹۲۰-۱۹۹۴ م) (Jabra, 1599-1601/1979)، عبدالقادر حسن القط (۱۹۱۶-۲۰۰۲ م) (Al-Qitt, 1599-1601/1971) و محمد عوض محمد (۱۸۹۵-۱۹۷۲ م) (Muhammad, 1599-1601/1972). مترجم‌های چهار ترجمه فارسی عبارتند از مسعود فرزاد (۱۲۸۵-۱۳۶۰ ش) (Farzad, 1599-1601/1969)، میرشمس‌الدین ادیب سلطانی (زاده ۱۳۱۰ ش) (Adib Soltani, 1599-1601/2006)، محمود اعتماد زاده (م.ا. به‌آذین) (۱۲۹۳-۱۳۸۵ ش) (Etemadzadeh (Behazin), 1599-1601/2000) و علاء‌الدین بازارگادی (۱۲۹۲-۱۳۸۳ ش) (Pazarargadi, 1599-1601 /2014). از میان چهار ترجمه کمدی «رام کردن زن سرکش» دو ترجمه آن به عربی و دو ترجمه دیگر به فارسی است. مترجم‌های دو ترجمه عربی عبارت‌اند از سهیر القلماوی (۱۹۱۱-۱۹۹۷ م) (Al-Ramzi, 1590-1592/1964) و ابراهیم بن محمد رمزی بک (۱۸۶۷-۱۹۲۴ م) (Ramzi, 1590-1592/1933) و مترجم‌های دو ترجمه فارسی مشتمل‌اند بر فریده مهدوی دامغانی (زاده

¹ Hamlet

² The Taming of the Shrew

³ William Shakespeare (1564 -1616)

(۱۳۴۲ ش) (Mahdavi, 1590-1592/1998) و علاء‌الدین بازارگادی (۱۲۹۲-۱۳۸۳ ش) (Pazarargadi, 1590-1592/1996).

۱.۱. پیشینه پژوهش

در حوزه مثل‌پژوهی^۱ بررسی‌های گسترده‌ای در زبان‌های گوناگون به ویژه در زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی انجام گرفته‌است که از آن جمله می‌توان در زبان انگلیسی به «فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد» و «فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلستان در قرن شانزدهم و هفدهم اثر موریس تیلی»^۲ (Tilley, 1950) و در عربی به «فرهنگ ضرب‌المثل‌های عربی» سهیل یاری گل‌دره (Yari Gol Dareh, 2015) و در زبان فارسی به «امثال و حکم دهخدا» و «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» حسن ذوالفقاری (Zulfiqari, 2009) اشاره نمود.

بررسی‌های تطبیقی^۳ انجام‌گرفته در پیوند با ضرب‌المثل‌ها نیز اندک نیستند که از آن جمله است: ادبیات تطبیقی - عربی و فارسی، ضرب‌المثل‌های فارسی، ضرب‌المثل‌های عربی به قلم منصوره زرکوب (Zarkoub, 2015)، فرهنگ تعابیر متداول به کوشش علی نجفی ایوکی و سید رضا میراحمدی (Najafi Ivaki & Mirahmadi, 2013) و ترجمه تطبیقی ضرب‌المثل‌های انگلیسی به فارسی از لحاظ زبان‌شناسی به قلم بهمن گرجیان و هدی نیس (Gorgian & Neisi, 2011)، و ارزش فرهنگی ترجمه ضرب‌المثل‌ها و کنایات (عربی - فارسی) به نگارش شهریار نیازی و حافظ نصیری (Nasiri & Niazi, 2009).

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی ترجمه‌های فارسی و عربی ضرب‌المثل‌های به‌کاررفته در دو نمایشنامه از شکسپیر (تراژدی «هملت» و کمدی «رام کردن زن سرکش») می‌پردازد. در زمینه شناسایی ضرب‌المثل‌های به‌کاررفته در آثار شکسپیر و فهم آن‌ها پژوهش‌های زیر به انجام رسیده، که بسیار مفید و راهگشای این پژوهش بوده‌است.

«فرهنگ عامه در آثار شکسپیر»^۴ اثر تیدایر و اف. تیسلتون (Dyer & Thiselton, 1884) در این کتاب نویسنده به فرهنگ عامه در روزگار شکسپیر می‌پردازد. موضوع‌های فصل‌های مختلف این کتاب عبارت‌اند از پریان، جادوگران، ارواح، دیوشناسی و شیطان، افسانه‌ها و حکایت‌های قومی، بدن انسان، پدیده‌های طبیعی، پرندگان، حیوانات، گیاهان، حشرات و

¹ Paremiology

² Tilley, Morris Palmer. *A Dictionary of the Proverbs in England in the Sixteenth and Seventeenth Centuries*. Ann Arbor, Michigan: University of Michigan Press, 1950.

³ Comparative Studies

⁴ *Folk-Lore of Shakespeare* by T. F. Thiselton Dyer

خزندگان، ماهی‌ها، حلقه‌ها و سنگ‌های قیمتی، طب سنتی، ورزش و سرگرمی، رقص، آداب و رسوم مرتبط با تقویم، تولد و غسل تعمید، ازدواج، مرگ و مراسم خاک‌سپاری، تنبیه، ضرب‌المثل، خرافه‌ها، آداب و رسوم متفرقه و موارد مشابه. در فصل‌های مختلف این کتاب به فراخور موضوع به ضرب‌المثل‌های به کاررفته در آثار شکسپیر اشاره شده اما در فصل نوزدهم نویسنده به صورت ویژه به پاره‌ای از ضرب‌المثل‌هایی که شکسپیر به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در آثارش استفاده نموده، پرداخته است.

«بیان ضرب‌المثلی شکسپیر»^۱ به قلم مارتین ارکین (Orkin, 2014). این پژوهش که در مجله انجمن فرانسوی شکسپیرشناسان در سال ۲۰۱۴ میلادی به چاپ رسیده است به تمایل شکسپیر به بهره‌گیری غیر مستقیم از ضرب‌المثل اشاره داشته و بیان می‌دارد که فهم این ضرب‌المثل‌ها نیز کار دشواری است. نویسنده بیان ضرب‌المثلی شکسپیر را از زوایای مختلف مورد موشکافی قرار داده و آن‌ها را به دو گروه مستقیم و غیر مستقیم تقسیم نموده است. او دامنه به کارگیری ضرب‌المثل در آثار شکسپیر را گسترده‌تر از پژوهش‌های موجود دانسته و بر این باور است که علاوه بر ضرب‌المثل، تلمیحات ضرب‌المثلی ناشناخته فراوانی نیز در این آثار وجود دارد که نیازمند پژوهشی عمیق در این زمینه است.

«استفاده شکسپیر از ضرب‌المثل‌ها برای شخصیت‌پردازی، حرکت نمایشی و لحن بازیگر»^۲ ((Cook, 1974)). پژوهش مذکور، رساله دکترای اِمِت کوک از دانشگاه فناوری تگزاس در سال ۱۹۷۴ میلادی است. این پژوهش به نحوه بهره‌گیری شکسپیر از ضرب‌المثل‌ها برای شخصیت‌پردازی، حرکت نمایشی و لحن بازیگر می‌پردازد. نویسنده در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا به کارگیری ضرب‌المثل‌ها در نمایشنامه‌های شکسپیر برای تمام شخصیت‌ها، حرکات و لحن‌ها یکسان است؟ و در نهایت به این پاسخ دست می‌یابد که شکسپیر برای هر یک از حالات و شخصیت‌های نمایشی، ضرب‌المثلی متناسب با آن شخصیت و حالت نمایشی خاص آن موقعیت به کار برده است.

«ضرب‌المثل‌ها رساتر از واژه‌ها سخن می‌گویند» اثر ولفگانگ میدر^۳ تصویری چند بُعدی از غنای ضرب‌المثل‌ها را ارائه داده و آن‌ها را پاره‌گفته‌های برجسته حکمت عامیانه معرفی می‌کند و از حضور آشکار آن‌ها در هنر، فرهنگ، فرهنگ عامه، تاریخ، ادبیات، و رسانه‌های جمعی پرده

¹ Shakespeare's proverbial tongue

² Shakespeare's Use of Proverbs for Characterization, Dramatic Action, and Tone in Representative Comedy.

³ "Proverbs Speak Louder Than Words": Folk Wisdom in Art, Culture, Folklore, History, Literature, and Mass Media by Wolfgang Mieder

برمی‌دارد. نویسنده به این واقعیت نیز اشاره دارد که ضرب‌المثل‌ها به عنوان نشانه‌های استعاری همچنان نقش مهمی را در ارتباطات شفاهی و کتبی بازی می‌کنند.

۱.۲. اهمیت پژوهش

رسالت مترجم، «انتقال هرچه کامل‌تر، دقیق‌تر و صادقانه‌تر (درست‌تر) مفهوم به کار رفته در متن مبدأ به متن مقصد (ترجمه)» است. بر این اساس، ترجمه گره‌ها و نقطه‌های دشوار مفهومی - معنایی متن، از جمله ضرب‌المثل‌ها بی‌اندازه مهم و سرنوشت‌ساز است؛ چرا که بدون درک درست و کامل، مترجم در معادل‌یابی دقیق و مناسب و نیز بومی‌سازی (به‌روزرسانی زبانی) مفهوم آن‌ها، با چالشی اساسی روبه‌رو خواهد بود.

روشن است که ارتقای دانش و مهارت در حوزه «مترجمی» و نیز بازسازی، بومی‌سازی و روزآمد ساختن «زبان هنری» و «زبان رسانه‌ای»، به وسیله تمرکز بر دو اثر بسیار پرتولید و پرمخاطب هنری-رسانه‌ای، جز از مسیر چنین پژوهش‌های کاربردی و چندزبانی و ارائه نمونه‌ها و مدل‌ها (الگو-برگردان‌ها)، امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱.۳. هدف‌های پژوهش

هدف‌های پژوهش حاضر از این قرارند؛ یکم، شناخت و شناساندن روش‌های انتقال مفهوم ضرب-المثل‌ها از میان تطبیق‌های زبانی، دوم، شناخت نقطه‌های کور و کاستی‌ها در ترجمه ضرب‌المثل‌ها و در پایان، رسیدن به فهرست نسبتاً برجسته‌ای از ضرب‌المثل‌های انگلیسی-عربی-فارسی.

۱.۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های «اکتشافی» است که با تجزیه متن ادبی به عناصر فرهنگی آن و تأکید بر عنصر ضرب‌المثل سعی شده تا واکنش مترجم‌ها به این عنصر فرهنگی در جنبه‌های گوناگون واکاوی شود و تا آن‌جا که بشود، قاعده‌های مربوطه کشف و استخراج گردد. روش پژوهش نیز «توصیفی-تحلیلی» است. بر پایه این روش سعی کرده‌ایم تا جایی که امکان دارد از خطایابی و تجویز پرهیز نموده و فقط توصیف برگردان‌ها را مورد توجه قرار دهیم.

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش ابتدا «فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلستان در قرن شانزدهم و هفدهم» به عنوان منبع اصلی پژوهش در نظر گرفته شده و سپس ۱۴۰ ضرب‌المثل به کار رفته در دو نمایش‌نامه با استناد به آن استخراج گردیده است. برگردان‌های هشت مترجم از ۷۰ ضرب‌المثل یافت شده در نمایشنامه «هملت» و نیز برگردان‌های چهار مترجم از ۷۰ ضرب‌المثل یافت شده در

نمایش‌نامه «رام کردن زن سرکش» از ترجمه‌هایشان استخراج و در بررسی یافته‌های پژوهش به عنوان نمونه برخی از آن‌ها در زیر ضرب‌المثل در دو بخش تعریف و ترجمه ارائه شده‌است.

۱.۵. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش از این قرارند؛ نخست اینکه، راهبرد اصلی مترجم‌های عربی و فارسی دو نمایش‌نامه «هملت» و «رام کردن زن سرکش» چیست؟ دوم آنکه، ترجمه‌های عربی و فارسی، چگونه، به چه روش‌هایی و تا چه اندازه، از عهده انتقال مفهوم ضرب‌المثل‌های انگلیسی به کاررفته در دو نمایش‌نامه «هملت» و «رام کردن زن سرکش» برآمده‌اند؟

۱.۶. فرضیه‌ها

پژوهش حاضر مشتمل بر دو فرضیه است؛ الف) به نظر می‌رسد مترجم‌ها به منظور حفظ انسجام متن و بازنمایی فرهنگ زبان مبدأ در ترجمه ضرب‌المثل‌های فرهنگ-وابسته بیشتر از ترجمه تحت اللفظی به همراه پانویس، برای روشنگری تجربه بومی موجود در آن، استفاده کرده‌اند. ب) راهبرد مترجم‌های عربی و فارسی می‌تواند حذف، تحت‌اللفظ (نامفهوم)، جایگزین‌سازی با ضرب‌المثلی مشابه یا ترجمه تفصیلی آزاد برای انتقال مفهوم باشد.

۲. ادبیات نظری پژوهش

ابتدا با انتخاب تعریفی جامع از ضرب‌المثل، ویژگی‌های ضرب‌المثل استخراج و به اعتبار این ویژگی‌ها، ضرب‌المثل‌ها از یک‌دیگر مجزا شده و دسته‌بندی گردیده و در نهایت چالش‌های پیش روی مترجم در ترجمه هر یک از این ویژگی‌ها شناسایی شده‌است.

۲.۱. ضرب‌المثل^۱

مبنای گردآوری ضرب‌المثل‌های شکسپیر در پژوهش حاضر، «فرهنگ ضرب‌المثل‌های انگلستان در قرن شانزدهم و هفدهم» اثر موریس تیلی (Tilley, 1950) است. همان‌گونه که در مقدمه فرهنگ^۲ آمده است؛ هیچ توافقی بر چستی ضرب‌المثل وجود ندارد. بر این اساس، تیلی (همان)

^۱ Proverb

^۲ There is no agreement on what constitutes a proverb. In this collection of proverbs, proverbial phrases, and proverbial similes I have entered such material as the writers in the period from 1500 to 1700 included in their elastic conception of what was proverbial. Obviously this contemporary conception transcends the limited definition of a proverb as a saying of the folk. The proverb collections from these two centuries, which are the basis of

با نگاهی عام به ضرب‌المثل‌ها، طیف وسیعی از گفته‌ها و زبانزدها را به صرف داشتن شهرت و رواج در سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی، به مجموعه خود وارد کرده‌است. روش تیلی (همان) به دلیل عام بودن، اگرچه مبنای خوبی برای گردآوری ضرب‌المثل است اما، به سبب عدم ارائه ویژگی‌های ضرب‌المثل، نمی‌تواند مبنای تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر باشد.

در تعریف اکسفورد از ضرب‌المثل آمده‌است: «گفته‌ای کوتاه، پرمعنی و مشهور که به بیان یک حقیقت کلی و یا اندرز می‌پردازد.»^۱ (Murray, 1989). در تعریف زیر که تعریف برگزیده پژوهش حاضر است، ذوالفقاری با جمع‌بندی مشترکات ۳۸ تعریف از دانشمندان عرب، ایرانی و غربی تعریف تا اندازه‌ای جامع و کامل از ضرب‌المثل ارائه داده‌است:

مثل جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلیت در میان مردم شهرت و رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر آن را به کار می‌برند (Zulfiqari, 2009, p. 25).

۲.۲. ترجمه ضرب‌المثل

با نیم نگاهی به تاریخ ترجمه درمی‌یابیم که مترجم‌ها و ترجمه‌پژوهان بسیاری به مطالعه ترجمه پرداخته و از دریچه نگاه خود ترجمه را تعریف و به انواع گوناگونی همچون آزاد و تحت‌اللفظی، ترجمه‌پذیر و ترجمه‌ناپذیر، صوری و پویا، معنایی و ارتباطی، آشکار و پنهان، درون‌زبانی، بین‌زبانی، بین‌نشانه‌ای و موارد مشابه دسته‌بندی کرده‌اند. آن‌ها مدل‌ها و راهکارهای گوناگونی مانند بیگانه‌سازی (غراب‌گرایی)، بومی‌سازی (غراب‌زدایی)، پانوشت، پی‌نوشت، حذف، طبیعی‌سازی، ساده‌سازی، استناداروسازی، متوازن‌سازی، تصریح، تلویح، مناسبت و موارد مشابه برای آن در نظر گرفته‌اند.

در این میان، نگاه ترجمه‌پژوهانه حسین ملانظر (Mollanazar, 1997) به ضرب‌المثل نیز خالی از لطف نیست که در تعریف آن می‌گوید: «یک واحد معنایی که مقصود گوینده آن، الفاظ ضرب‌المثل نبوده بلکه کاربرد آن در بافت خاص مورد استفاده گوینده، مد نظر بوده است.»^۲

our Dictionary, admitted material that seemed to their compilers to be proverbial or at least of sufficient currency to be entitled to that term (Tilley, 1950, p. V)

¹ A short, well-known pithy saying, stating a general truth or piece of advice. (Oxford Dictionary, Proverb entry)

² “a unit of meaning. What the speaker intends the hearer to understand is not the literal sense of the proverb, but rather its application in the particular context in which the speaker uses it.” Mollanazar (1997, p. 53)

(Mollanazar, 1997, p. 53) وی در ادامه سه روش پیشنهادی بیکمان و کالو (Beekman & Callow, 1974, p. 136) را برای ترجمه ضرب‌المثل بیان می‌کند: الف) بیان معنای ضرب‌المثل در زیر آن؛ ب) جایگزینی ضرب‌المثل با یک معادل بومی [فرهنگی]؛ پ) بیان مفهوم غیر استعاری ضرب‌المثل به صورت آشکار.

از آن‌جا که ضرب‌المثل‌ها دارای ماهیتی استعاری هستند، می‌توان از راهکارهای ارائه‌شده در ترجمه استعاره، برای توصیف ترجمه ضرب‌المثل نیز بهره برد. نیومارک برای ترجمه استعاره هفت راهکار^۱ ارائه داده است: الف) بازتولید تصویر زبان مبدأ در زبان مقصد؛ ب) جایگزینی تصویر زبان مبدأ با تصویر رایج در زبان مقصد؛ پ) ترجمه استعاره به تشبیه؛ ت) ترجمه استعاره به تشبیه به اضافه معنای مفهومی؛ ث) تبدیل استعاره به معنای مفهومی آن؛ ج) حذف استعاره؛ چ) ترکیبی از همان استعاره با معنای مفهومی.

ضد‌المثل‌ها نیز که زمانی ضرب‌المثل بوده و با تغییرات ایجادشده در آن‌ها به وسیله نویسنده اکنون به طنز تبدیل شده‌اند، ماهیت ضرب‌المثلی خود را از دست داده و هویتی طنزگونه به خود گرفته‌اند. بنابراین، بایسته است تا در ترجمه طنز مورد بررسی و موشکافی قرار گیرند. هر چند، از آن‌جا که در آثار شکسپیر (و به ویژه در این دو اثر) بسیار یافت می‌شوند، ما نیز در این مقاله در ضرب‌المثل ۳-۱-۴ اشاره‌ای به آن خواهیم داشت.

۳. راهبردها

راهبرد مترجم‌ها در برگردان ضرب‌المثل‌های مورد پژوهش را می‌توان به چهار دسته لفظ‌گرایی، آشنایی‌زدایی، افزایش واژگانی، و عربی‌گرایی دسته‌بندی نمود.

¹ “1) Reproducing the same image in the TL,

2) Replacing the image in the SL with a standard TL image ,

3) Translation of metaphor by simile ,

4) Translation of metaphor (or simile) by simile plus sense,

5) Conversion of metaphor to sense,

6) Deletion

7) Same metaphor Combined with sense.” Newmark (1988, p. 88-91)

2 anti-proverb

شکل تغییر یافته و طنزگونه ضرب‌المثل را گویند. خالق این اصطلاح پرفسور ولفگانگ میدر مثل پژوه و فلکلوریست آلمانی تبار است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

Mieder, W. (1983). *Antisprichwörter. (Anti-Proverbs.)* (2nd ed). Wiesbaden: Verlag für deutsche Sprache.

۱.۳. لفظ‌گرایی

راهبرد غالب در برگردان‌های عربی و فارسی ضرب‌المثل‌ها در این دو اثر، راهبرد لفظ‌گرایی است و واحد ترجمه در آن، لفظ (واژه) است. در برگردان آرایه‌های ادبی (تشبیه، استعاره و کنایه) موجود در ضرب‌المثل‌ها، مترجم‌ها بیش از آن که بخواهند ساختار یا مفهومی را جایگزین ساختار یا مفهوم دیگر نمایند، لفظی را جانشین لفظ دیگر کرده‌اند. اگرچه مواردی هم دیده شده که مترجم‌ها ساختار و یا مفهوم را جایگزین نموده‌اند^۱ ولی تعداد این موارد به مراتب کمتر از جانشینی الفاظ است.

۱.۳.۱. ضرب‌المثل نخست

TRY (Try your friend) before you trust (Tilley, 1950, T595)

هملت، پرده یکم، صحنه سوم

Hamlet I iii 62: Those friends thou hast, and their adoption tried,
Grapple them unto thy soul with hoops of steel.

الف) ترجمه

الجریدینی (Al-Juraidini, 1599-1601/1922, p. 25): اذا وثقت من صديق بعد تجربه

فالصقة بك بشبك من حديد

جبرا (Jabra, 1599-1601/1979, p. 50): اذا امتحنت اصدقاءك ، الذين اخترتهم،

شدهم باطواق من الصلب لنفسك ،

القط (Al-Qitt, 1599-1601/1971, p. 75): واذا كان لك اصدقاء خبرت ولاءهم فشدتهم

الى روحك بحلقات من الفولاذ.

محمد (Muhammad, 1599-1601/1972, p. 52): وإن كان لك أصدقاء وبلوتهم

وخبرتهم فضمهم إلى نفسك بأطواق الفولاذ

فرزاد (Farzad, 1599-1601/1969, p. 42): آن عده از دوستان خود را که در دوستی

آزموده و نیکو یافته‌ای با پنجه‌های فولادین نگاهداری کن

ادیب سلطانی (Adib Soltani, 1599-1601/2006, p. 56): آن دوستانی که داری، و نیز

پذیرش ایشان را آزموده‌ای، با قلاب‌های پولادین به روان‌ات^۲ پیوندان،

^۱ مانند استفاده از مفعول مطلق بیانی به جای ساختار تشبیه.

^۲ شیوه نگارش متن ترجمه در تمامی ترجمه‌ها عیناً همان شیوه نگارش مترجم‌ها است.

به آذین (Etemadzadeh (Behazin), 1599-1601/2000, p. 25): دوستان خود را پس از آزمون با پنجه فولادین در جان خود جای ده،
 بازارگادی (Pazarargadi, 1599-1601 /2014, p. 908): دوستانی را که پس از آزمایش بر گزیده‌ای، چون روح خویش، با پنجه فولادین، محکم بگیر،

ب) توصیف

یکم- توصیف در سطح واژگانی و نحوی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: توصیف واژگانی و دستوری ترجمه‌های ضرب‌المثل « TRY (Try your friend) before

you trust

thy voice	few	but	thine ear	every man	Give	شکسپیر
صوتک	لقلیلین	و	اذنک	لکل انسان	اعط	الجریدینی
صوتک	فانصره علی القلئه	اما	اذنک	لکل انسان	اعرها	جبرا
صوتک	لا تمنح الا القلیل	لکن	اذنک	الجمع	امنح	القط
صوتک	لا تسمع ... إلا القلیل منهم	ولکن	سمعک	لکل الناس	أعر	محمد
دهان بسخن بگشا	فقط با عده کم و برگزیده‌ای	ولی	گوش خود را	همه کس	برای شنیدن سخنان باز کن	فرزاد
زبان خود را	به گروهی اندک	ولی	گوش خود را	به همه	بده	ادیب
هم‌داستانی کن	با کمتر کس	ولی	گوش خود را	هر کس	به شنیدن گفته ... بگمار،	به آذین
زبان خود را	برای همه مگشای	ولی	گوش	به همه	فرا دار	بازارگادی

دوم- توصیف در سطح معنایی به این ترتیب است؛ مترجمان، ضرب‌المثل‌های دربردارنده اندرز را به روش تحت‌اللفظی و بدون بهره‌گیری از پانوش و یا معادل فرهنگی برگردان نموده و وجه امری آن را نیز بازنمایانده‌اند. در برگردان‌های این گروه از ضرب‌المثل‌ها نیز هیچ حذفی مشاهده نگردید.

برگردان ضرب‌المثل‌های این گروه نشان می‌دهد که تجربه‌های مشترک بشر از واقعیت‌های جهان پیش رو که در قالب حکمت‌ها و اندرزها بیان شده، در همه جای دنیا قابل فهم و به همه زبان‌ها قابل انتقال است.

۳. ۱. ۲. ضرب‌المثل دوم

As chaste as ICE (snow) (Tilley, 1950, 11)

هملت، پرده سوم، صحنه یکم

Hamlet III i 140: Be thou as chaste as ice, as pure as snow, thou shalt not escape calumny.

الف) ترجمه

الجریدینی (Al-Juraidini, 1599-1601/1922, p. 61): ان كنت نقیةً كالثلج أو طاهرةً كالجلید فلست بناجیة من السنة السوء.

جبرا (Jabra, 1599-1601/1979, p. 110): لن تنجی من المذمة ولو كنت عفیفة كالجلید، نقیة كالثلج.

القط (Al-Qitt, 1599-1601/1971, p. 146): كونی طاهرة طهر الثلج، نقیة نقاء الجلید، فلن ینجیک ذلك من السنة الناس.

محمد (Muhammad, 1599-1601/1972, p. 109): إنك مهما كنت كالثلج طهراً، وكالبرد صفاء ونقاء، فإنك لن تنجی من النمیمة.

فرزاد (Farzad, 1599-1601/1969, p. 115): اگر مانند یخ سرد و عفیف، و مانند برف پاک باشی از زخم زبان بدگویان آسوده نمایی.

ادیب سلطانی (Adib Soltani, 1599-1601/2006, p. 172): حتا اگر تو پاک باشی چونان یخ، ناب باشی چونان برف، از اسپزگی نباید بگریزی / نخواهی گریخت.

به‌آذین (Etemadzadeh (Behazin), 1599-1601/2000, p. 70): و آن این که هر چند بسان یخ پاکدامن و همچون برف پاک باشی، از تهمت برکنار نمایی.

پازارگادی (Pazarargadi, 1599-1601 /2014, p. 935): اگر چون یخ پاک و چون برف خالص باشی از افترا ایمن نیستی.

ب) توصیف

یکم - سطح واژگانی و نحوی: در برگردان دو واژه «ice» و «snow» مترجمان عربی چندان به تقدم و تأخر این دو واژه وفادار نبوده‌اند و فقط به اجبار این امر را رعایت کرده‌اند. محمد (Muhammad, 1599-1601/1972) نیز واژه «البرد» را به آن‌ها افزوده‌است. در برگردان‌های عربی این ضرب‌المثل تشبیهی، تنوع دستوری بیش از تنوع واژگانی است. در حالی که در برگردان‌های فارسی این امر برعکس بوده و تنوع واژگانی بیشتر از تنوع دستوری است. القط

(Al-Qitt, 1599-1601/1971) وجه شبه «chaste» و «pure» را به صورت مفعول مطلق نوعی و محمد (همان) آن‌ها را در قالب تمییز برگردان نموده‌است.

دوم - سطح معنایی: در این ضرب‌المثل دو تشبیه وجود دارد و شکسپیر هر دو حالت این ضرب‌المثل تشبیهی را به کار برده‌است: وجه شبه و مشبه‌به در ضرب‌المثل نخست به ترتیب پاک‌دامنی و یخ و در ضرب‌المثل دوم پاکی و برف است. مترجم‌ها نیز با برگردانی صرفاً واژگانی توانسته‌اند تشبیهات تا اندازه‌ای جدیدی را نوآفرینی کنند؛ زیرا نو بودن وجه شبه به نوآوری در ساختمان تشبیه و نهایتاً در دستگاه بلاغی می‌انجامد. با نگاهی به متن‌های کهن عربی و فارسی در می‌یابیم که با توجه به شرایط آب و هوایی وجه شبه غالب در تشبیه‌ها دو عنصر (یخ و برف)، سردی^۱ و ذوب شدن^۲ است.

۳.۱.۳. ضرب‌المثل سوم

As mad as the troubled SEA (Tilley, 1950, S170)

هملت، پرده چهارم، صحنه یکم

Hamlet IV i 7: Mad as the sea and wind when both contend
Which is the mightier.

الف) ترجمه

الجریدینی (Al-Juraidini, 1599-1601/1922, p. 84): مجنون جنون البحر والرياح عندما يتنازعان السلطة بينهما.

جبرا (Jabra, 1599-1601/1979, p. 147): لقد جُنَّ جنون البحار والرياح إذ تصطرع على أيهما أقوى وأعنف.

القط (Al-Qitt, 1599-1601/1971, p. 195): مجنون جنون البحر والرياح حين يختصمان أيهما الأقوى!

محمد (Muhammad, 1599-1601/1972, p. 148): مجنون، جنون البحر والرياح حين يصطرعان، ليثبتا أيهما أشد بأساً،

فرزاد (Farzad, 1599-1601/1969, p. 165): دیوانه است. اما چگونه! مانند دریا و باد در هنگامی که هر دو با هم می‌جنگند تا ببینند کدامیک زورمندتر است!...

۱ اُبرد من التلج (مجمع الامثال میدانی)

۲ مَثَلت هست در سرای غرور مَثَل یخ فروش نیشابور (حدیقه حکیم سنایی)

ادیب سلطانی (Adib Soltani, 1599-1601/2006, p. 250): دیوانه مانند دریا و باد، هنگامی که هر دو رقابت می‌کنند بر سر اینکه کدام یک نیرومندتر است. به آذین (Etemadzadeh (Behazin), 1599-1601/2000, p. 100): به دیوانگی باد و دریا است، هنگامی که در تلاش اند تا ببینند کدام یک نیرومندترند. بازارگادی (Pazarargadi, 1599-1601 /2014, p. 952): مثل دریا و باد هنگامی که این دو برای اثبات قدرت خود به ستیز می‌پردازند، دیوانه و آشفته است.

ب) توصیف

یکم - سطح واژگانی و نحوی: دو واژه «sea» (مشبه به) و «Mad» (وجه شبه) به ترتیب در برگردان عربی به «بحر» و «مجنون» و در فارسی به «دریا» و «دیوانه» برگردان شده‌است. مترجم‌های عربی همگی وجه شبه را به صورت مفعول مطلق نوعی گزارش کرده‌اند.

دوم - سطح معنایی: شکسپیر با اضافه نمودن یک «مشبه به» (باد) به «مشبه به» ضرب‌المثل (دریا) بر آشفتگی این کشمکش افزوده‌است و از آن جا که وجه شبه هر دو جنون و دیوانگی است وجه شبه در این ترکیب جدید قوی‌تر و آشکارتر است. تقریباً در همه جوامع و فرهنگ‌ها دریای طوفانی نماد ویرانگری و نابودی است^۱. مترجم‌ها نیز در برگردان این تشبیه صرفاً با قرار دادن معادلی برای واژه‌ها توانسته‌اند به مفهومی رسا دست یابند.

۳. ۱. ۴. ضرب‌المثل چهارم

First THRIVE and then wive (Tilley, 1950, T264)

رام کردن زن سرکش، پرده یکم، صحنه دوم

The Taming of the Shrew I ii 55: And I have thrust myself into this maze,
Happily to wive and thrive as best I may.

الف) ترجمه

القلم‌اوی (Al-Qalmawi, 1590-1592/1964, p. 55): وقد ألقیت بنفسی وسط هذا

الخضم، سعياً قدر المستطاع وراء زواج يوفقتني إلى ثراء

رمزی بک (Ramzi, 1590-1592/1933, p. 37): وقد ألقیت بنفسی فی تیه هذه المدینة

عسی أن أجد لی زوجة وأنال بها من الثروة ما أستطیع نیله

^۱ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها (حافظ)

مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998, p. 38): من نیز در نوعی آوارگی در این دنیا رها شده‌ام، و سعی دارم ازدواج کنم و وضعیت مالی‌ام را بهبود ببخشم. بازارگادی (Pazarargadi, 1590-1592/1996, p. 436): من خود را در این راه پریچ و خم انداخته‌ام که شاید تا آنجا که میسر است همسری بیابم و در رفاه زندگی کنم.

ب) توصیف

یکم - سطح واژگانی و نحوی: فعل «wive» و «thrive» که از آرایه ادبی سجع نیز بهره‌مند است دارای تقدم و تأخر بوده که مترجم‌ها علاوه بر وفاداری به متن این تقدم و تاخر را نیز رعایت کرده‌اند.

دوم - سطح معنایی: اصل این ضرب‌المثل می‌گوید اول سعی کن وضعیت مالی‌ات را بهبود ببخشی، سپس ازدواج کن. اما شکسپیر با یک جابه‌جایی بر محور همنشینی این ضرب‌المثل را به یک ضدالمثل تبدیل نموده به گونه‌ای که قهرمان نمایش قصد دارد با ازدواج کردن وضعیت مالی‌اش را بهبود ببخشد. بی‌اطلاعی مخاطبان در زبان مقصد از اصل ضرب‌المثل و نبود پانویست برای آن از سوی مترجم‌ها مانع فهم درست این ضدالمثل گردیده و طنز به دست آمده از این جابه‌جایی نیز همچنان ترجمه‌ناپذیر باقی مانده است.

۳.۲. غرابت‌گرایی^۱ (وفاداری به متن)

در این راهبرد، مترجم‌ها بیش از آنکه بر رسایی مفهوم تأکید کنند، بر گیرایی مخاطب تکیه کرده‌اند و بلاغت مخاطب را شرط دانسته‌اند. گویی در یک قرارداد نانوشته، توافقی میان مترجم و خواننده انجام گرفته است تا بر اساس آن مترجم فقط شناسنامه الفاظ را در پانویست قرار دهد. در واقع، آن‌ها را با همان لباسی که در زبان مبدأ به تن کرده‌اند به زبان مقصد انتقال دهد. در این میان، خواننده خود زحمت ایجاد ارتباط با آن‌ها را پذیرفته و احساس غریبگی را نیز از چهره آن‌ها بزداید.

در برگردان‌های زیر اعلام به کاررفته در ضرب‌المثل‌ها به وسیله حرف‌نگاری وارد زبان مقصد شده‌اند.

۳.۲.۱. ضرب‌المثل پنجم

LOMBARDY is the garden of the world (Italy) (Tilley, 1950, L414)

¹ foreignization

رام کردن زن سرکش، پرده یکم، صحنه یکم

The Taming of the Shrew I i 3: I am arriv'd for fruitful Lombardy,
The pleasant garden of great Italy.

الف) ترجمه

القلم‌اوی (Al-Qalmawi, 1590-1592/1964, p. 34): وقد وصلت إلى سهل لومباردي

الخصيب - الجنة الفيحاء من إيطاليا العظيمة -

رمزی بک (Al-Qalmawi, 1590-1592/1964, p. 19): قد أنزلتني في لومبارديا الخصيبه ،

جنة ايطاليا العظيمة ،

مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998, p. 23): اکنون به ایالت پربرکت

لمباردی، این باغ خندان و خرّم ایتالیای بزرگ، قدم نهاده‌ام ...!

پازارگادی (Pazarargadi, 1590-1592/1996, p. 429): به لمباردی حاصل خیز، که باغ

مصفاى ایتالیای با شکوه است، رسیده‌ام

ب) توصیف

یکم - سطح واژگانی و نحوی: القلم‌اوی (Al-Qalmawi, 1590-1592/1964) منطقه

«Lombardy» را به شکل لومباردی و مذکر، رمزی بک (Ramzi, 1590-1592/1933) آن

را به شکل لومباردیا و مؤنث، مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998) آن را به

شکل لمباردی با حرکت ضمه بر روی حرف «ل» برای جلوگیری از تلفظ اشتباه و در نهایت

پازارگادی (Pazarargadi, 1590-1592/1996) نیز به شکل لمباردی آن را حرف‌نگاری

کرده‌است.

دوم - سطح معنایی: این مثل در مدح منطقه لومباردی ضرب شده و در قالب یک تشبیه بلیغ

اسنادی به باغ جهان تشبیه گردیده و شکسپیر آن را با واژه‌های «fruitful» (سرسبز) و

«pleasant» (زیبا) و «great» (با شکوه) رنگ آمیزی نموده‌است. مترجم‌ها نیز مشبه و مشبه‌به را

بدون تغییر و با همان صفت‌هایی که شکسپیر آن را توصیف نموده به فارسی و عربی برگردانیده‌اند.

۳.۲. ضرب‌المثل ششم

As patient as Grissel (Tilley, 1950, G456)

رام کردن زن سرکش، پرده دوم، صحنه یکم

The Taming of the Shrew II i 297: For patience she will prove a
second Grissel.

الف) ترجمه

القلم‌ماوی (Al-Qalmawi, 1590-1592/1964, p. 91): أما عن الصبر فستبرهن لنا أنها «جریسل» * آخری؛ * جریسل (Grissel). تروی قصتها ضمن مجموعة «أقاصيص كانتبری» علی أنها امرأة صبرت علی إساءات زوجها وإهافاتہ حتی غلبته علی أمره بصبرها وطیبتها. رمزی بک (Ramzi, 1590-1592/1933, p. 68): فی الصبر کجریسل (Grissel)، مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998, p. 65): و اما در مورد صبر و حوصله، باید بگویم که گریسلی * دیگری می‌باشد، * نام اصلی: GRISELIDIS می‌باشد که به خاطر صبر و حوصله فراوانش در داستانی از شوسر CHAUCER معروف بود. م- بازارگادی (Pazarargadi, 1590-1592/1996, p. 449): در صبر و شکیبایی گریسل * ثانی ... است * Grissel نام زنی بود که از لحاظ صبر و شکیبایی نظیر نداشت و تحمل هرگونه ناسزا و توهین را از شوهر خود می‌کرد تا این که به وسیله همین خصلت بر او پیروز شد.

ب) توصیف

یکم- سطح واژگانی و نحوی: همه مترجمان واژه «صبر» را برابر «patience» نهاده‌اند. مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998) و بازارگادی (Pazarargadi, 1590-1592/1996) افزون بر این واژه، هم‌معنای آن را نیز آورده‌اند.

دوم- سطح معنایی: شکسپیر در این ضرب‌المثل کاترینا را به گریسل تشبیه کرده است. گریسلی که به خاطر تحمل ناسزاها و توهین‌های بسیار از شوهرش در داستانی از شوسر به اسطوره صبر در اروپا معروف شد. در این تشبیه نیز همانند تشبیهات دیگر مترجمان تغییری در مشبه به ایجاد نموده و صرفاً نام گریسل را براساس قواعد حرف‌نگاری زبان مربوطه حرف‌نگاری کرده‌اند. در دو ضرب‌المثل بالا، لومباردی به باغ ایتالیا (جهان) و کاترینا به اسطوره صبر در اروپا (گریسل) تشبیه شده‌است. معادل‌های فرهنگی هر دو ضرب‌المثل در زبان عربی و فارسی موجود است. اما مترجمان از بومی‌سازی امتناع ورزیده و به منظور آشناسازی خواننده با فرهنگ زبان مبدأ، راهبرد غرابت‌گرایی را در پیش گرفته‌اند.

۳.۳. افزایش واژگانی

مترجمان در برگردان ضرب‌المثل‌ها از دو روش بهره گرفته‌اند: گاهی با روش حذف و یا ایجاز از تعداد واژه‌های آن کاسته‌اند که شمار این موارد کم است؛ گاهی با استفاده از پانوشت‌ها، هم‌معناها و یا صفت‌ها بر تعداد واژگان آن افزوده‌اند که شمار این موارد بیشتر است. اگرچه در زبان عربی، بخش گسترده‌بار معنایی بر دوش اعراب واژگان قرار دارد (و یک واژه می‌تواند برگردانی از

چندین واژه انگلیسی باشد)، در برگردان‌های عربی نیز موارد بسیاری از افزایش واژگانی دیده شده‌است.

۳.۳.۱. ضرب‌المثل هفتم

To comb one's HEAD with a three-legged stool (Tilley, 1950, H270)

دام کردن زن سرکش، پرده یکم، صحنه یکم

The Taming of the Shrew I i 64: To comb your noddle with a three-legged stool.

الف) ترجمه

القلماموی (Al-Qalmawi, 1590-1592/1964, p. 38): سیکون آن تمشط شعرک بکرسی

ذی ثلاث أرجل،

رمزی (Ramzi, 1590-1592/1933, p. 23): وإلا فما كانت تقصر عنایتی بک عن تمشیط

رأسک بکرسی مثلث الأرجل،

مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998, p. 26): موهای سرتان را با یک سه پایه

کوچک خارش دهم،

پازارگادی (Pazarargadi, 1590-1592/1996, p. 430): سر شما را با یک سه پایه شانه

کند

ب) توصیف

یکم - سطح واژگانی و نحوی: مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998) فعل

«comb» را متفاوت از دیگران و به «خارش دادن» برگردان نموده‌است. واژه «noddle» را

مترجم‌ها زن به «شعر و مو» و مترجمان مرد به «رأس و سر» برگردان کرده‌اند. در برگردان

پاره گفته «with a three-legged stool» همه مترجم‌ها یکسان عمل نموده و فقط مهدوی

دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998) صفت «کوچک» را بر آن افزوده‌است.

دوم - سطح معنایی: شکسپیر این ضرب‌المثل را برای تهدید به زدن به کار برده‌است که

مترجمان به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. این ضرب‌المثل سر طرف مقابل را چنان با یک سه پایه شانه

می‌زند که نفهمد از کجا خورده‌است. مترجم‌ها با برگردانی صرفاً واژگانی تصویر نسبتاً جدیدی از

این تهدید را وارد ادبیات زبان مقصد کرده‌اند. برگردان واژه «noddle» به «شعر و مو» در

برگردان مترجمان زن و «رأس و سر» در برگردان مترجمان مرد را می‌توان نشانه‌ای از جزئی‌نگری

زن‌های مترجم و کلی‌نگری مردان مترجم دانست.

آنچه در راهبرد افزایش واژگانی در برگردان‌ها بسیار اهمیت دارد، بالا بودن میزان افزایش واژگانی مترجم‌های زن در هر دو زبان نسبت به مترجم‌های مرد است. این میزان در جدول زیر در دو بخش عربی و فارسی بر پایه درصد مشخص گردیده است.

جدول ۱: میزان افزایش واژگانی مترجم‌های زن در مقایسه با مترجم‌های مرد

زبان فارسی			زبان عربی		
درصد	تعداد واژه‌ها	مترجم	درصد	تعداد واژه‌ها	مترجم
۵۵٪	۱۴۴۵	مهدوی	۵۷٪	۱۲۳۷	القلم‌اوی
۴۵٪	۱۱۸۰	پازارگادی	۴۳٪	۹۲۶	رمزی
	۲۶۲۵	جمع		۲۱۶۳	جمع

هرچند، افزونی واژگان در فارسی نسبت به عربی به تفاوت دو زبان برمی‌گردد، اما این افزایش واژگانی معمولاً با هدف‌های ویژه‌ای انجام گرفته است. برای نمونه، در ضرب‌المثل بالا، مهدوی دامغانی (Mahdavi, 1590-1592/1998) با افزودن صفت «کوچک» به «سه پایه» نه فقط متن را با افزایش واژگانی مواجه ساخته، بلکه به مفهوم آن نیز جهت داده و زیانزد را از یک تهدید خشن به یک تهدید ملایم همراه با طنز تبدیل نموده است.

۴.۳. عربی‌گرایی (عربی‌نویسی)

با نگاهی کلی به یکی از فرهنگ‌های ضرب‌المثل فارسی به راحتی می‌توان دریافت که به استثنای ضرب‌المثل‌های قرآنی و حدیثی، تعداد واژگان عربی به کاررفته در ضرب‌المثل‌ها بسیار کم است. اما راهبرد مترجم‌های فارسی [به استثنای ادیب سلطانی (Adib Soltani, 1599-1601/2006)] در برگردان ضرب‌المثل‌های انگلیسی در پژوهش حاضر، به گونه‌ای عکس‌رویکرد سازندگان ضرب‌المثل‌های فارسی است. این مترجم‌ها در موارد بسیاری از واژه‌های عربی و ویژگی‌های آن مانند تنوین استفاده نموده‌اند، و در نتیجه در برگردان‌های فارسی تنوع واژگانی بیشتری مشاهده می‌شود.

در پاراگراف بالا، برگردان ادیب سلطانی (Adib Soltani, 1599-1601/2006) از دیگر برگردان‌ها استثناء و جدا شده است. این جداشدگی به سبب متفاوت بودن سبک ادیب سلطانی (همان) در برگردان ضرب‌المثل‌ها است. شاید بهتر بود سبک او به عنوان راهبرد پنجم و در بخشی جداگانه آورده می‌شد، اما از آن‌جا که هدف پژوهش حاضر تطبیق و مقایسه برگردان-

های گوناگون و کشف روش‌ها و راهبردهای کلی است، برگردان ادیب سلطانی (همان) نیز در همین بخش و در مقایسه با راهبرد بالا (عربی‌گرایی) بررسی و تحلیل می‌گردد. راهبرد ادیب سلطانی (همان) متفاوت از دیگر مترجم‌ها است. او عربی‌نویس و عربی‌گرا نیست. البته قصد عربی-زدایی هم ندارد؛ چرا که الفاظ عربی هم در برگردان او یافت می‌شود: مانند «توصیه»، «مبتذل»، و «وعده و وعید»، هرچند واژه «وعید» مترادف «وعده» نیست و به اشتباه به کار برده شده است. ادیب سلطانی (همان) کهن‌گرا است و از این کهن‌گرایی دو نتیجه به دست می‌آید: نخست، احیای واژه‌های کهن و فراموش شده و دیگری کهن‌نمایی متن برگردان و هم‌عصر نشان دادن آن با عصر و زبان شکسپیر. واژگانی مانند «آخشیج»، «بغانو»، «سیجومند» و یا «تلواسه» نمونه‌هایی از این کهن-گرایی است. ادیب سلطانی (همان) در مقدمه کتاب «سوگنمایش هملت»، واژه‌نامه‌ای از این واژگان را برای سهولت کار خواننده تهیه نموده است.

کهن‌نمایی متن در برگردان ادیب سلطانی (همان) به همان اندازه که به خواننده فرصت می‌دهد تا با سفری در زمان، خود را هم‌عصر شکسپیر بیابد، فرصت هم‌نشینی با شکسپیر در زمان حال را از او می‌گیرد. زیرا شکسپیر نه فقط برای چهار صد سال پیش، بلکه برای زندگی امروز ما نیز حرف‌های بسیاری دارد.

۴. نتیجه‌گیری

از بررسی و مقایسه روش‌ها و راهبردهای مترجم‌های عربی با مترجم‌های فارسی، در برگردان ضرب‌المثل‌های انگلیسی یافته‌های زیر به دست آمده است:
نخست- زبان عربی و فارسی به خاطر نزدیکی فرهنگی از توانش ضرب‌المثلی نسبتاً یکسانی در ترجمه برخوردارند.

دوم- مترجم‌ها در ترجمه ضرب‌المثل‌ها، برای حفظ استواری و به‌هم‌پیوستگی متن و بازنمایی بیشتر اندیشه‌ها و بیان شکسپیر، خود را ناگزیر از ترجمه نویسنده‌محور یافته و متن را از نظر فرهنگی با کمترین تغییر برگردان نموده‌اند. این امر سبب چیرگی فرهنگ زبان فرادست (زبان مبدأ) بر زبان فرودست (زبان مقصد) شده است. هرچند در پاره‌ای از موارد، به واسطه ایجاد تصاویر نو، غنای ادبی زبان مقصد نیز افزایش یافته است.

سوم- در برگردان ضد‌المثل‌ها، مترجم‌ها بیش از آنکه به روح اثر متعهد باشند پایبند الفاظ متن بوده‌اند. این امر سبب شده تا در برخی موارد روح طنز از بدن الفاظ جدا گردد و پویایی متن از بین

برود. در واقع، مترجم‌ها بیشتر زبان بیرونی را ترجمه و زبان درونی (طنز) متن را ترجمه‌ناپذیر دانسته و آن را رها کرده‌اند.

چهارم - نارسایی مفهومی در برگردان‌ها بیشتر مربوط به مواردی است که نویسنده یک یا دو واژه از ضرب‌المثل را به جای کل آن استفاده نموده‌است. یا اینکه تغییراتی در اصل ضرب‌المثل ایجاد کرده‌است. مترجم به سبب ناآگاهی از اصل ضرب‌المثل آن را بی‌معنا پنداشته‌است و به ناچار یا آن را حذف نموده، یا با برگردانی تحت‌اللفظی، ابهام موجود را به زبان مقصد نیز انتقال داده و یا در نهایت مفهومی خیالی برای آن برگزیده‌است. بنابراین، در برگردان ضرب‌المثل‌ها، بهره‌گیری از واژه‌نامه‌ها کافی نیست و مترجم برای آگاهی از اصل ضرب‌المثل نیازمند اطلاعات فرهنگی و دانش فراگیر است.

فهرست منابع

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۷). *امثال و حکم*. ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: معین.
- زرکوب، منصوره (۱۳۹۶). *ادبیات تطبیقی - عربی و فارسی، ضرب‌المثل‌های فارسی*. ضرب‌المثل‌های عربی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۷۵). *مجموعه آثار نمایشی ویلیام شکسپیر*. ج ۱. چ ۱. ترجمه علاء‌الدین بازارگادی. تهران: سروش.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۷۷). *رام کردن زن سرکش*. ترجمه فریده مهدوی دامغانی. اهواز: تیر.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۷۹). *هملت*. ترجمه م ا به آذین. چ ۲. تهران: آتیه.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۹۳). *مجموعه آثار نمایشی ویلیام شکسپیر*. ج ۲. چ ۸. ترجمه علاء‌الدین بازارگادی. تهران: سروش.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۴۸). *هملت: مجموعه ادبیات خارجی*. ترجمه مسعود فرزاد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شکسپیر، ولیم (۱۹۲۲). *هاملت*. تعریب الجریدینی المحامی. مصر: مطبعة الهلال.
- شکسپیر، ولیم (۱۹۷۱). *هاملت*. تعریب القط. الکویت: وزارة الإعلام.
- شکسپیر، ولیم (۱۹۷۲). *هملت*. تعریب محمد عوض محمد. قاهرة: دارالمعارف.
- شکسپیر، ولیم (۱۹۶۴). *ترويض النمره*. تعریب سهیر القلماوی. القاهرة: دارالمعارف.
- شکسپیر، ولیم (۱۹۳۳). *ترويض النمره: رواية تمثلية هنلية ذات خمسة فصول*. تعریب إبراهيم رمزی. القاهرة: وزارة المعارف العربية.

- شکسپیر، ولیم (۱۹۷۹). *مأساة هاملت امیر الدانمارک*. تعریب جبرا ابراهیم جبرا. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۸۵). *سوگ‌نمایش هملت شاهپور دانمارک*. ترجمه میر شمس‌الدین ادیب سلطانی. تهران: نگاه.
- گریان، بهمن و هدی نیسی (۱۳۹۰). «ترجمه تطبیقی ضرب‌المثل‌های انگلیسی به فارسی از لحاظ زبان‌شناسی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. دوره ۵. شماره ۱۹. صص ۱۱۵-۱۳۱.
- نجفی ایوکی، علی و سید رضا میراحمدی. (۱۳۹۲) *فرهنگ تعابیر متداول*. کاشان: دانشگاه کاشان.
- نیازی، شهریار و حافظ نصیری. (۱۳۸۸) «ارزش فرهنگی ترجمه ضرب‌المثل‌ها و کنایات (عربی - فارسی)». *زبان‌پژوهی*. شماره ۱. صص ۱۶۷-۱۸۴.
- یاری گل‌دره، سهیل. (۱۳۹۶). *فرهنگ ضرب‌المثل‌های عربی: گزیده امثال و حکم عربی*. قم: ادبیات.

References

- Beekman, J., & Callow, J. (1974). *Translating the Word of God*. USA: The Zondervan Corporation for Summer Institute of Linguistics.
- Cook, E. (1974). *Shakespeare's use of proverbs for characterization, dramatic action, and tone in representative comedy* (unpublished PhD Dissertation), Texas Technological University, Texas, USA.
- Dehkhoda, A. A. (1978). *Proverbs and mottos*. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Dyer, T., & Thiselton, F. (1884) *Folk-lore of Shakespeare*. New York: Harper and Brothers.
- Gorgian, B., & Neisi, H. (2011). Comparative translation of English to Persian proverbs: a linguistic view. *Journal of Comparative Literature Studies*, 5 (19), 115-131 [In Persian].
- Mieder, W. (1983). *Antisprichwörter*. (Anti-Proverbs). Wiesbaden: Verlag für deutsche Sprache.
- Mieder, W. (2008). *Proverbs speak louder than words: Folk wisdom in art, culture, folklore, history, literature, and mass media*. New York: Peter Lang.
- Mollanazar, H. (1997). *Principles and methodology of translation*, Tehran: SAMT.
- Murray, J. A. H. (1989). *Oxford English dictionary*. United Kingdom: Oxford University Press.
- Najafi Ivaki, A., & Mirahmadi, R. (2013). *A dictionary of most frequent idioms: Persian to Arabic*. Kashan: University of Kashan [In Persian].
- Newmark, P. (1988). *Approaches to Translation*, Prentice Hall, Hemel Hempstead.
- Niazi, Sh., & Nasiri, H. (2009). Cultural value of translating proverbs & ironies (Arabic-Persian). *Journal of Language Research*, 1, 167-184 [In Persian].
- Shakespeare, W. (1971) *Hamlet*. (A. H. Al-Qitt, Trans.). Kuwait: Ministry of Information [In Arabic].
- Shakespeare, W. (2000). *Hamlet*. (M. Etemadzadeh, Trans.). Tehran: Atieh [In Persian].
- Shakespeare, W. (2014). *William Shakespeare's collection of drama*. Vol. II. (8nd ed). (A. Pazarargadi, Trans.). Tehran: Soroush [In Persian].
- Shakespeare, W. (1922). *Hamlet*. (S. Al-Juraidini, Trans.). Egypt: Al-Hilal Publishing House [In Arabic].
- Shakespeare, W. (1933). *The taming of the shrew: A five-chapter comedy play*. (I. Ramzi, Trans.). Cairo: Arab Ministry of Education [In Arabic].
- Shakespeare, W. (1964). *The taming of the shrew*. (S. Al-Qalmawi, Trans.) Cairo: Dar al-Ma'arif [In Arabic].

- Shakespeare, W. (1979). *The tragedy of Hamlet, prince of Denmark*. (J. I. Jabra, Trans.). Beirut: Arab Foundation for Studies and Publishing [In Arabic].
- Shakespeare, W. (1982). *Hamlet*. Ed. H. Jenkins. London: Methuen Print.
- Shakespeare, W. (1996). *William Shakespeare's collection of drama. Vol. I*. (A. Pazarargadi, Trans.). Tehran: Soroush [In Persian].
- Shakespeare, W. (1998). *The taming of the Shrew*. (F. Mahdavi, Trans.). Ahwaz: Tir [In Persian].
- Shakespeare, W. (2006). *The tragedy of Hamlet, prince of Denmark*. (M. Sh. Adib Soltani, Trans.). Tehran: Negah [In Persian].
- Shakespeare, W. (2009) *The taming of the shrew*. Ed. D. Callaghan. New York: Norton Print.
- Shakespeare, William. (1972). *Hamlet*. (M. I. Muhammad, Trans.). Cairo: Dar Al Maaref [In Arabic].
- Tilley, M. P. (1950). *A dictionary of the proverbs in England in the sixteenth and seventeenth centuries*. Ann Arbor, Michigan: University of Michigan Press.
- Yarigol-dareh, S. (2015). *Dictionary of Arabic proverbs: A selection of Arabic proverbs and rulings*. Qom: Adabiyat [In Persian].
- Zarkoub, M. (2015). *Comparative literature- Arabic and Persian, Persian proverbs, Arabic proverbs*. Isfahan: University of Isfahan [In Persian].
- Zulfiqari, H. (2009) *The great dictionary of Persian proverbs*. Tehran: Moin [In Persian]

A Comparative Study between Proverbs of the Two Plays of Shakespeare and Their Arabic and Persian Translations: "Eight Translations of Hamlet" and "Four Translations of the Taming of the Shrew"

Sayyed Mohammad Ali Razavi Khaveh¹
Maryam Jalaei Peykani²
Hamed Habibzadeh³
Ruhollah Sayyadinezhad⁴

Received: 28/11/2019

Accepted: 17/02/2020

Article Type: Research

Abstract

The present study, using the "descriptive-analytical" method, aims at identifying the methods of communicating the sense of proverbs through linguistic comparisons in order to provide more practical methods in translation of proverbs. Utilizing the Arabic and Persian translations of two Shakespeare's plays "Hamlet" and "The Taming of the Shrew", the authors of this study seek to know how and in what ways and to what extent, the translators have been able to communicate the sense of English proverbs and when and in what ways they have employed literal, free or other types of translation.

The study of Shakespeare's use of proverbs showed that this author used many proverbial similes to illustrate the characters in the play and to have a greater influence on the audience. In case of anti-proverbs, it was found that Shakespeare's conversion of a proverb into an anti-proverb presents a major challenge to translators. Translation of anti-proverb, however, is far more challenging than the proverbial one because of the addition of the humorous dimension to the proverbial features.

Regarding the methods and techniques and viewing the translation of the proverbs in a formalist way, it can be seen that translators have chosen one of the three techniques to meet the challenges of translation, including omission, footnote, and cultural (proverbial) equivalence. About omission, only 6 of the 140 proverbs found in the surveyed data were abandoned untranslated by some translators. This inaccuracy, which may have been intentional or inadvertent, was found in the works only 4 of the 12 translations. Next, footnotes are the methods that some translators

¹ BA in English Translator & MA in Arabic Translation, the University of Kashan; muhammad1972@gmail.com

² PhD in Arabic Language and Literature, Assistant Professor in Department of Arabic Language and Literature, Faculty Member of the University of Kashan, Iran, (corresponding author); maryamjalaei@kashanu.ac.ir

³ PhD in English Language and Literature, Assistant Professor in Department of English Language and Literature, Faculty Member of the University of Kashan, Iran; H_habibzad@kashanu.ac.ir

⁴ PhD in Arabic Language and Literature, Associate Professor in Department of Arabic Language and Literature, Faculty Member of the University of Kashan, Iran; sayadi@kashanu.ac.ir

have used to explain proverbs and the cultural traits in them. Totally, the number of footnotes in Arabic translations exceeds the Persian ones. Most footnotes have deciphered the mystery in the proverbs. As a result, these proverbs have become more explicit than the proverbial ones. On cultural (proverbial) equivalence, it should be noted that this expression refers to a method whereby one proverb from the culture of the target language is found to be used as a proverbial equivalence for the source language. Of all the translations, there are only three cases that have used this technique.

Furthermore, translators' approaches to proverbs were found to be divided into four categories: literal translation, defamiliarization, lexical enhancement, and Arabicism. The dominant approach in Arabic and Persian translations of the proverbs in these two works is the literalist approach and the translation unit is the word. In translating the literary devices (similes, metaphors, and kenning or metonymy) in the proverbs, translators have replaced the literal word from the target language with the word from the source language rather than trying to replace the structure or concept from the target language with that of the source language. Although there have been cases where translators have replaced structure or concept, the number is far below the literal replacement. In defamiliarization approach, the translators have relied on the appeal of the audience rather than emphasizing expressiveness of the concept and have considered the audience's knowledge of rhetoric as a must. It is as if in an unwritten contract, an agreement was reached between the translator and the reader in which the translator merely puts the word's identity in the footnote and transfers them to the target language with the same clothing they were wearing in the source language. It is up to the reader to take on the hassle of communicating with them and removing the feeling of strangeness from their faces. About elongation, although in the Arabic language most of the semantic burden rests on the vocabulary (and a word can be a translation of several English words), there is also a great deal of lexical increase in Arabic translations. What is important in this approach is that female translators have used more words in their translations in comparison to the male ones in both languages (viz. Arabic and Persian). On Arabicism (writing Arabic), it can be said that through viewing one of the Persian proverb dictionaries, it is easy to see that, with the exception of Qur'anic and hadith proverbs, the number of Arabic words used in proverbs is very low. But in the present study, the approach of the Persian translators' [except (Adib, 2006)] to translating English proverbs is in contrast to the approach of the makers of Persian proverbs. These translators have used many Arabic vocabularies and its features, such as the nunation (tanwin), and consequently a greater lexical diversity is found in Persian translations.

In conclusion, the comparison of the methods and approaches used in translations of English proverbs by Arabic translators with those of Persian ones showed that first of all due to their cultural affinity, Arabic and Farsi have a relatively similar proverbial competency in translation. Second, in translating proverbs, translators have inevitably an author-oriented translation to preserve the consistency of text and more adequately mirror the Shakespeare's ideas and expression. Third, they have translated the proverbs with the least cultural change, which has resulted in the domination of the culture of the superior (source) language over the inferior (target) language, that is the superior language imposes its features to the inferior language. However, in some cases the literary richness of the target language has also increased through the creation of new images. Next, in translating

the proverbs, the translators were more committed to the text than to the spirit of the work. This, in some cases, led to the removal of the spirit of humor from the literal body and an adverse impact on the dynamics of the text. In fact, most translators have translated the external language and have regarded the inner language (humor) of the text untranslatable. Finally, the conceptual flaw in the translations is mostly related to the cases where the author has used one or two words of the proverb as the whole one or made changes to the proverb. Therefore, the translator makes no sense due to the lack of knowledge about the whole proverb and inevitably either erase it, or translate it literally. This transfers the ambiguity into the target language. Therefore, in translating the proverbs, dictionary information is not enough and the translator needs encyclopedic knowledge to know the whole proverb.

Keywords: Shakespeare, Proverb, Anti-Proverbs, Translation